



## جهانی‌شدن و آثار آن بر تربیت دینی

سیداله فضل‌الهی قمشی / دانشیار و دکترای تخصصی برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران  
 fazlollahigh@yahoo.com  orcid.org/0000-0002-6440-240X  
 m.dehghani110@yahoo.com مهری دهقانی / دکترای تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک  
 دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵  <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

### چکیده

هدف پژوهش، شناسایی پدیده جهانی‌شدن و آثار آن بر تربیت دینی بود و به روش تحلیل اسنادی، اطلاعات موردنیاز از طریق اسناد و مدارک کتابخانه‌ای جمع‌آوری شدند. جامعه آماری شامل کلیه منابع و مراجع موجود مرتبط با پدیده جهانی‌شدن و تربیت دینی بود که تعدادی از افراد جامعه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از فرم‌های فیش‌برداری استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند: دین و آموزه‌های دینی یکی از عناصر فرهنگ و هویت است که پدیده جهانی‌شدن برای آن تهدید یا فرصت است؛ سه نوع برخورد با پدیده جهانی‌شدن قابل مشاهده است: برخورد منفی، مثبت و میانه این دو رویکرد؛ نتیجه بحث آنکه از مهم‌ترین فرصت‌های جهانی‌شدن، انتقال محتوای دینی است و مهم‌ترین پیامدهای منفی آن، تحت فشار قرار گرفتن دین و اعتقادات بومی است؛ در جهانی‌شدن، دین و تفکر مردم تحت فشار سکولاریسم و نسبی‌گرایی واقع می‌شود؛ مهم‌ترین راهکار در نظام تربیتی اسلام برای برقراری ارتباط مطلوب با پدیده جهانی‌شدن، رشد پرورش تفکر نقاد و ایجاد توان کنترل درونی در متربیان است.

**کلیدواژه‌ها:** جهانی‌شدن، تربیت، دین، تربیت دینی، فرهنگ.

گسترش سریع و روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات مسئله‌ای به‌نام جهانی‌شدن را پدید آورده است. قدمت این واژه به سال‌های آخر دهه پنجاه میلادی می‌رسد (تابلی و همکاران، ۱۳۹۰). در سال‌های اخیر، واژه جهانی‌شدن مفهوم رایجی است که علاوه بر عرصه اقتصادی، در زمینه‌های دیگر همچون سیاست، اخلاق، تعلیم و تربیت و... نیز به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌دلیل چندوجهی بودن، اتفاق نظر بین‌الذنهانی در ارائه تعریف جامعی از آن و نیز ماهیت و ویژگی‌های آن وجود ندارد.

به‌نظر رابرتسون، معنای جهانی‌شدن عبارت است از فشرده شدن جهان و تبدیل آن به یک کل واحد، که در آن، جهان به یک نظام اجتماعی - فرهنگی معرفی می‌شود (رابرتسون، ۱۳۸۲، ص ۳۵).

*لغت‌نامه آکسفورد* واژه جهانی را «آگاهی جهانی و پذیرش و درک فرهنگ‌های غیر از فرهنگ خودی» تعریف کرده است (نوربخش و سلطانیان، ۱۳۹۰). *پراتون* جهانی‌شدن را فرایندی از تحول می‌داند که بر تعامل فرهنگ‌ها می‌افزاید. به‌نظر وی، جهانی‌شدن پدیده‌ای چندبعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فناوری است (بهیکیش، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

*واترز* (۱۳۷۹) در کتاب *جهانی‌شدن*، آن را چنین تعریف می‌کند: «فرایندی اجتماعی که در آن، قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند». *تافلر* (۱۳۸۵) در کتاب *موج سوم* بیان می‌دارد که تمدن موج سوم به‌جای آنکه تحت سلطه فرهنگی چند رسانه همگانی باشد، بر رسانه‌های غیرتوده‌ای تکیه دارد که از طریق کنش متقابل با یکدیگر، تصاویر ذهنی بسیار متنوع و غالباً به‌شدت فردیت‌یافته‌ای را به درون جریان ذهنی جامعه می‌ریزد و خود از آن تغذیه می‌کند (عزیزی و افشارپور، ۱۳۸۷).

اکنون اگر این نکته را بپذیریم که دیر یا زود باید به پیشباز جهانی واحد و یکپارچه برویم؛ جهانی که با گسترش رسانه‌های جمعی و فروریختن مرزهای فیزیکی و جغرافیایی، به دهکده‌ای مبدل شده است که بدون دغدغه زمانی و مکانی می‌توان ابعاد محدود آن را درنوردید. در این جهان، خواه‌ناخواه با سؤالاتی اساسی و بنیادی مواجه خواهیم شد؛ سؤالاتی که طراحی پاسخ‌های مناسب برای آنها به کشورهای دنیا در جهت سازگاری با فضای واحد جهانی کمک خواهد کرد (برخوردار، ۱۳۸۴). یکی از این سؤالات بنیادی، با توجه به اینکه تعلیم و تربیت در جامعه ما با آموزه‌های دینی آمیخته و اکنون نیز در سطحی گسترده و عمیق متأثر از آن می‌باشد، این است: آیا در عصر جهانی‌شدن، با توجه به پیامدهای آن، نظیر ساختارشکنی، از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و در دسترس بودن اطلاعات، می‌توان از دین و تربیت دینی صحبت کرد؟ متعلمی که از تعلیم و تربیت دینی برخوردار می‌شود، موزون با فطرت و طبیعت و نه معارض با آن زیست می‌کند. بر همین اساس، تعلیم و تربیت دینی به‌عنوان فرایندی جامع که می‌تواند توانمندی‌های عقلی، عاطفی و احساس آدمی را هم‌زمان شکوفا سازد، معرفی

شده است و در این نوع از تعلیم و تربیت، هدف تنها کسب معرفت نیست؛ بلکه رشد و شکوفایی موزون همه ابعاد وجودی انسان مورد توجه است (جعفرزاده، ۱۳۹۰، ص ۶۳-۶۹).

انقلاب علمی به منزله حادثه‌ای شیرین در قرن هفدهم میلادی رخ داد؛ اما چنین تولدی با حادثه تلخی به نام علم‌زدگی همراه شد که براساس آن، تنها روش معتبر در حصول شناخت از جهان، روش علمی است. در قرن بیستم، نه تنها علم این آرمان را افسانه تلقی کرد، بلکه روشن شد که علم برای زایش خود، به برخی اصول و مبانی خارج از حوزه خویش نیاز دارد (گلدمن، ۱۹۹۹). بسیاری از حقایق وجودشناختی مطرح‌شده در دین، با چنین ضابطه‌ای تکذیب می‌شود. در چنین وضعیتی، زمینه برای تردید و تکذیب اصول تربیتی دین فراهم می‌آید و ابهاماتی در نقش تربیتی دین رخ می‌نماید.

از آنجاکه اکثریت جمعیت کشور ما مسلمان و حکومت آن نیز اسلامی است، یکی از وظایف اصلی آموزش و پرورش اهتمام به تربیت دینی نسل جدید است (میرزارضی، ۱۳۸۶، ص ۹-۱۰). تربیت دینی در کشور ما، از جمله مسائل محوری تعلیم و تربیت است و تمام مسئولان به این امر مهم توجه ویژه‌ای دارند. از آنجاکه جهانی‌شدن بر تمام جوانب تعلیم و تربیت تأثیرگذار است، تحقیقی که به بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر تربیت دینی بپردازد، مسلماً راه‌گشا و شفاف‌کننده بسیاری از مسائل مرتبط با جهانی‌شدن و تربیت دینی است. براین اساس سؤال اصلی این است که آیا پدیده جهانی‌شدن بر تربیت دینی اثر دارد؟ برای پاسخ به سؤال اصلی، سؤالات فرعی زیر نیز در نظر گرفته شده است:

۱. ماهیت تعاملی جهانی‌شدن و تربیت دینی از دیدگاه صاحب‌نظران چگونه است؟
۲. فرصت‌های ناشی از پدیده جهانی‌شدن برای عرصه تربیت دینی چیست؟
۳. تهدیدهای ناشی از پدیده جهانی‌شدن برای عرصه تربیت دینی چیست؟
۴. راهکارهای اسلام در زمینه برقراری تعامل مطلوب جهانی‌شدن و تربیت دینی کدام‌اند؟

## ۱. رویکردها و پیامدهای جهانی شدن

پس از بررسی نظریه‌های مختلف در این زمینه، سه رویکرد عام را می‌توان در مورد جهانی‌شدن مطرح کرد: الف) رویکرد کاملاً مثبت: این رویکرد عمدتاً بر فرصت‌ها و زمینه‌های برآمده از جهانی‌شدن را تأکید می‌کند. در این تلقی، متفکران بر این باورند که جهانی‌شدن از طریق توسعه ارتباطات، به شکل‌گیری پروسه دولت - ملت‌سازی، استقرار هم‌گرایی بین‌المللی، ایجاد فرهنگ‌های جهانی و عام، و در نتیجه کاهش تنش‌ها و منازعات قومی کمک می‌کند (سجادی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳-۱۲۸).

ب) رویکرد کاملاً منفی: جهانی‌شدن از طریق تشدید خودآگاهی قومی و فرهنگی، به تشدید هویت‌های فرهنگی و قومی، و در نهایت، تعارض میان اقوام، فرهنگ‌ها و هویت‌ها یاری می‌رساند. در نگاه بدبینانه، جهانی‌شدن وضعیت پیچیده‌ای است که در درازمدت به ضد خود تبدیل می‌شود و پدیده‌های محلی و قومی را تقویت می‌کند و در

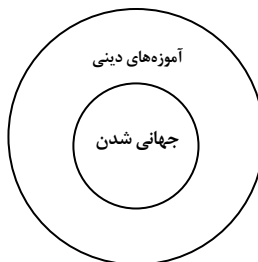
نهایت، واگرایی، تعارض و برخورد قومی، فرهنگی و تمدنی را به‌ارمغان می‌آورد (ر.ک: سجادی، ۱۳۸۷).  
 ج) رویکرد میانی: در این رویکرد، میان مبادی و نتایج تفکیک صورت می‌پذیرد و به مبادی و نتایج متفاوتی توجه می‌شود. از نظر مبادی، در کنار توسعه و گسترش روابط فرهنگی و ارتباطات در جوامع، شکاف‌ها و خلأهای فرهنگی و هویتی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. از این منظر، جهانی‌شدن ضمن آنکه زمینه‌های تفاهم، همسویی و هم‌گرایی فرهنگ‌ها را فراهم می‌سازد، با تشدید آگاهی‌های محلی و قومی، به تعارضات و تنش‌های قومی و محلی دامن می‌زند و در مواردی سبب بحران هویت در جوامع می‌شود. در این رویکرد، تنها بر بروز بحران‌های قومی به‌عنوان پدیده‌ی ناشی از بسط فرهنگ و ارتباطات تأکید نمی‌شود؛ بلکه خلق مفاهیم و ایجاد جوامع جدید، مانند جوامع قومی مجازی و اجتماع تصویری، از زاویه‌ی گسترش فرهنگ و ارتباطات مورد توجه قرار می‌گیرند (مقصودی، ۱۳۷۹).

## ۲. نسبت جهانی‌شدن و تربیت دینی

بین جهانی‌شدن و آموزه‌های دین می‌توان دو نسبت در نظر گرفت:

### ۲-۱. جهانی‌شدن به‌عنوان یکی از اهداف تربیت دینی

بسیاری از صاحب‌نظران غربی، ادیان ابراهیمی به‌ویژه اسلام و مسیحیت را ادیان جهانی، و ادیان جهانی را شکل اولیه‌ی جهانی‌شدن پیش از پیدایش مدرنیته می‌دانند (ترنر، ۲۰۰۱). دین اسلام به‌منزله‌ی آخرین و کامل‌ترین دین، از ابتدا ادعای جهانی‌شدن داشته است. متریبان پیامبر اسلام ﷺ تمامی مردم جهان‌اند: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً» (اعراف: ۱۵۸). در این زمینه، کاربرد کلمات «ناس» و «جمیعاً» به‌معنای تمامی مردم، دلالت بر جهان‌شمولی آن دارد. حتی جهانی‌شدن اسلام، به‌دلیل مطابقت با فطرت انسان‌ها، تحمیلی نیست؛ فطرت خداجویی که در تمام انسان‌ها در تمام زمان‌ها و مکان‌ها مشترک است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)؛ به یکتاپرستی به دین روی آور؛ فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. یکی از اهداف آموزه‌های دینی، جهانی‌کردن دین است که خود نوعی جهانی‌شدن است. طبق این دیدگاه می‌توان جهانی‌شدن را جزئی از آموزه‌های دینی در نظر گرفت.



شکل ۱. جهانی‌شدن جزئی از آموزه‌های دینی (شکاری و همکاران، ۱۳۹۲)

## ۲-۲. تربیت دینی جزئی از جهانی شدن

در بستر جهانی شدن، همواره فرهنگ‌ها با فرهنگ‌های جهانی در تعامل اند. فرهنگ‌ها درحالی که ماهیت خود را حفظ می‌کنند، با پیوستن به یکدیگر، یک کل را تشکیل می‌دهند. از نظر گروهی از صاحب‌نظران، در جهانی شدن همیشه نوعی دیالکتیک (دیالکتیک پیوسته) میان امر جهانی و امر محلی برقرار است (هال، ۱۳۸۳). جهانی شدن یعنی روی آوردن به وحدت در عین کثرت (باقری، ۱۳۸۰، ص ۸). از این منظر، دین و آموزه‌های دینی که یکی از عناصر فرهنگ و هویت است، تحت تأثیر جهانی شدن قرار دارد و جزئی از آن است.

## ۳. ادبیات پژوهش

در این حوزه، از حیث نظری مقالات و آثار متعددی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها «بررسی ارزش‌های جهانی اینگلهارت» است. وی در این تحقیق اشاراتی به حوزه ارزش‌های دینی داشته و به این نتیجه رسیده است که ارزش‌های دینی در حال قوام بیشتری هستند. از دیدگاه او، در فرایند صنعتی شدن، هنجارهای سنتی و دینی از میان رفتند؛ اما به تدریج با مشاهده ناتوانی گفتمان هویتی متجددانه، نوعی بازگشت به ارزش‌های دینی در کشورهای غربی دیده می‌شود (حاجیان، ۱۳۹۰، ص ۷۷-۱۰۷).

در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰ دامنه جهانی شدن تحت تأثیر انقلاب ارتباطات و تقسیم کار جهانی، دامنه جهانی شدن به کلیه عرصه‌ها و حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و دیگر شئون زندگی ملل سرایت کرد و تمامی این حوزه‌ها را از خود متأثر ساخت. در خصوص تاریخچه پیدایش جهانی شدن، همچون تعریف آن، میان صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را پدیده‌ای قدیمی می‌دانند که در نظام سرمایه‌داری ریشه دارد و برخی دیگر آن را پدیده جدید و محصول مدرنیته به‌شمار می‌آورند. گروه نخست عقیده دارند که نظام اقتصادی بازار آزاد، قدیمی‌ترین گونه اقتصاد در جامعه بشری است. گرچه سوسیالیسم تأثیراتی در نظام اقتصادی جهان برجای گذاشت و سرمایه‌داری را به چالش کشید، اما با فروپاشی بلوک شرق، آمریکاییان توفیق یافتند تا به دو نتیجه بسیار مهم، یعنی خلأ نظام فکری سیاسی و خلأ قدرت در جهان دست یابند. این خلأها به آمریکا فرصت داد تا این‌گونه القا کند که نظام دوقطبی جهانی شکست خورده و خلأ قدرت بر جهان سایه انداخته است و باید این خلأ را با نظام تک‌قطبی پر کرد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹). به‌نظر این گروه، جهانی شدن موضوعی قدیمی و کهن است که در پیدایش نظام سرمایه‌داری ریشه دارد که امروزه به اوج خود رسیده و ابعاد و آثار و نتایج تازه‌ای را به‌بار آورده و وارد حوزه‌های فناوری ارتباطات، فرهنگ و سیاست شده است. *والرشتاین* و *رابرتسون* از پیروان نظریه قدیمی بودن پدیده جهانی شدن هستند.

نقطه مقابل این نظریه، دیدگاهی است که جهانی شدن را مقوله‌ای جدید و متأخر می‌داند که از درون مدرنیته زاده شده است. از نظر این افراد، مدرنیته ماهیت و ذاتی جهانی دارد. *گیلینز*، *اسکلیر* و *جوزف نای* در زمره طرفداران این نظریه شمرده می‌شوند. این گروه عقیده دارند که جهانی شدن، نه موازی مدرنیته، بلکه نتیجه و تداوم عصر

مدرن و مجموعه‌ی التزامات آن است و آن را پدیده‌ای می‌دانند که موجب عمومیت یافتن آزادی‌های بشری، جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر خواهد شد (نصری، ۱۳۸۰).

#### ۴. پیشینه‌ی پژوهش

مبحث جهانی‌شدن و آثار آن بر تربیت دینی مسئله‌ای مهم و درخور توجه است که این مقاله می‌کوشد تا به بررسی آن بپردازد. چنان‌که می‌دانیم، جهانی‌شدن علاوه بر عرصه‌ی اقتصادی، در زمینه‌های دیگری همچون سیاست، اخلاق، تعلیم و تربیت و... نیز به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. اکنون اگر این نکته را بپذیریم که با پدیده‌ی جهانی‌شدن روبه‌رویییم، جهانی‌که با گسترش رسانه‌های جمعی و فروریختن مرزهای فیزیکی و جغرافیایی به دهکده‌ای مبدل شده است، با این سؤال مواجه خواهیم شد: آیا در عصر جهانی‌شدن، با توجه به پیامدهای آن، نظیر ساختار شکنی، از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و در دسترس بودن اطلاعات، می‌توان از دین و تربیت دینی صحبت کرد؟

در اینجا لازم است که به نتایج پژوهش‌های مرتبط در این حوزه اشاره کرد:

- میرمحمدی (۱۳۸۱) در پژوهشی تحت عنوان «جهانی‌شدن، ابعاد و رویکردها» بیان می‌دارد که ازجمله پیامدهای گسترش اجتناب‌ناپذیر ارتباطات و به‌تبع آن کاهش روزافزون فاصله‌ها می‌توان موارد زیر را برشمرد: جهانی‌شدن چالش‌ها و فرصت‌های موجود و الگوهای رفتاری در عرصه‌های مختلف؛ گسترش جهانی سطح ارتباطات؛ مقوله‌های هویتی و اثرپذیری و اثرگذاری آنها در گستره‌ی جهانی؛ پیدایش منابع هویت‌ساز جهانی؛ و جهانی‌شدن افق ذهن و دید بشر.

- شکاری و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نسبت‌های جهانی‌شدن و جهانی‌سازی» اشاره می‌نماید: جهانی‌شدن با آموزه‌های دینی منافاتی ندارد؛ اما در صورت عدم برخورد صحیح و نداشتن آمادگی می‌تواند چالش‌هایی را به وجود آورد. در مقابل می‌توان با شناخت صحیح، استفاده از امکانات و معرفی واقعی دین مبتنی بر فطرت اسلام، جهانی‌شدن را فرصتی برای انتقال تعالیم دینی در نظر گرفت.

- شمشیری (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «جهانی‌شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم و پست‌مدرنیسم» عنوان می‌کند: تغییر و تحولاتی که در طول قرن ۱۸ و ۱۹ و نیمه‌ی اول قرن ۲۰ رخ داده‌اند، به تضعیف دین انجامیده است و هیچ‌یک از آنها نتوانستند دین را به‌طور کامل از صحنه خارج کنند. همچنین تلاش‌هایی جهت ایجاد فرقه‌های مذهبی انسان‌ساخته و جنبش‌های تندرو مذهبی به‌وجود آمده است. ازجمله دلایل این امر، بحران‌های هویتی و معنوی و رویکرد بسیار سنتی و افراطی به دین است.

- مؤیدینیا (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «جهانی‌شدن و نظام‌های آموزش و پرورش» بیان می‌دارد: جهانی‌شدن نیرویی است که با کمک آن دانش‌آموزان می‌توانند ضمن تعامل با دیگران، با تعلیم و آموزه‌های دینی مختلف آشنا شوند و به نقد و ارزیابی عقاید مختلف بپردازند. امکان دسترسی فرهنگی و دینی به سطوح جهانی، تسهیل شرایط دادوستد فرهنگی و مکان‌تبادلات میان ادیان و فرهنگ‌ها را پدید می‌آورد.

– خسروشاهی (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان *جهانی شدن و تحول در آموزش و پرورش* اشاره می کند: از جمله پیامدهای منفی جهانی شدن، تحت فشار قرار دادن دین و اعتقادات بومی است؛ در جهانی شدن، دین و تفکر مردم تحت فشار سکولاریسم و نسبی گرایی واقع می شود؛ همچنین بلوغ زودرس، از جمله ارمان های جهانی شدن برای دنیای جدید است؛ زیرا رسانه های جهانی با بمباران اطلاعاتی کودک و نوجوان، آگاهی فزاینده ای به او می دهند و او را در مقابل مجهولاتی قرار می دهد که اقتضای سن او نیست و در نهایت به بلوغ زودرس می رسد.

– /مجموعه زاده (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «سیاست گذاری فرهنگی در عصر جهانی شدن» عنوان می کند: جهانی شدن واقعیت ملموسی است که پیش روی جهانیان می باشد. در این میدان، هم فرصت فراوان است و هم تهدید. اینکه چقدر به صورت یک تهدید یا فرصت درآید، تا اندازه ای به ساختار فرهنگی – اجتماعی و حاکمیت یک جامعه بستگی دارد. ما نه قادریم و نه شایسته است که در مقابل حضور این پدیده به حصارشکنی پردازیم؛ زیرا از یک سو، از مزایای مثبت آن محروم می شویم و از سوی دیگر، در بلندمدت به بروز آنتروپی مثبت در آن خواهد انجامید.

## ۵. روش پژوهش

این پژوهش از نظر اهداف کاربردی و به لحاظ شیوه جمع آوری اطلاعات توصیفی، از نوع پژوهش تحلیل اسنادی است. جامعه پژوهش حاضر، شامل کلیه منابع و مراجع موجود مرتبط با پدیده جهانی شدن و همچنین تربیت دینی است و روش، نمونه گیری در دسترس بوده است. داده های جمع آوری شده با استفاده از تکنیک های تحلیل کیفی، طبقه بندی گشته و در راستای بررسی سؤال های پژوهش تحلیل شده است.

## ۶. یافته ها

### ۶-۱. ماهیت تعاملی جهانی شدن و تربیت دینی

در پاسخ به نخستین پرسش پژوهش (ماهیت تعاملی جهانی شدن و تربیت دینی از دیدگاه اندیشمندان چگونه است؟)، به بیان مهم ترین دیدگاه ها می پردازیم:

مارکس معتقد است که نظام های سرمایه داری کنونی به جامعه بی طبقه و جامعه کمونیستی تبدیل خواهد شد. بنا به گفته او، این تحول با اقتصاد و سرمایه آغاز می شود؛ ولی به اقتصاد ختم نمی شود؛ چراکه موجب تحول فرهنگی در سطح جهان می گردد. صدور محصولات سرمایه داری، نه فقط به تولید، بلکه به مصرف نیز ویژگی جهان شمولی می دهد و هر کالای سرمایه داری فرهنگ خود را نیز به کشور صادر شده انتقال می دهد (حاجیان، ۱۳۹۰، ص ۷۷-۱۰۷). در نتیجه، افزون بر حوزه روابط مادی، حوزه «تولید فکری» نیز ماهیت جهانی می یابد. از نگاه او، تنها سرنوشتی که می توان از بورژوازی برای جهان انتظار داشت، دنیوی شدن است و از اینجاست که شدیدترین جذبه های آسمانی دین غرق می شود. افزون بر این، قائل بودن مارکس به ماهیت خاص گرا داشتن ادیان و مذاهب، استدلال دیگری از او بر دشواری بقای دین در نظام سرمایه داری است (کچوئیان، ۱۳۸۶، ص ۲۵۱-۲۷۴).

از منظر دیوید هاروی، جهانی شدن برای سرمایه‌داری پدیده جدیدی نیست؛ لیکن پسماندزینتۀ انعطاف‌پذیر دربردارنده شدت یافتن تراکم و فشردگی زمانی - فضایی است. زندگی اجتماعی سرعت گرفته و فضا کاهش یافته یا بکلی از بین رفته است؛ به‌گونه‌ای که ما این وضعیت را در مورد انتقال اندیشه‌ها در سراسر جهان با استفاده از ارتباطات ماهواره‌ای شاهدیم (فرهادی محلی، ۱۳۸۹). آنچه وی در باب بحران‌های فرهنگی مطرح‌نظر دارد، «گسست فرهنگی و تکثرگرایی» است که به پیدایش «قالب‌های ایدئولوژیکی فرهنگی ما بعد تجددگرایی» منجر شده است. مشخصه مهم این ایدئولوژی، مصرف‌گرایی روبه‌تزايد و فردی شده است. بنابراین می‌توان استنباط کرد که مسیر دنیوی شدن، همچنان به شکل تشدیدشونده‌ای ادامه می‌یابد (کچوئیان، ۱۳۸۶، ص ۲۵۱-۲۷۴).

کاستنر با توجه به نقشی که برای حوزه فرهنگ قائل است، اهمیت ویژه‌ای به دین می‌دهد؛ چراکه از دیدگاه وی، سرعت و شدت تغییرات به‌همراه تخریب‌های طبیعی ناشی از آن، خلأیی پدید آورده است که از نظر وی، جنبش دینی و بازگشت به دین، پاسخی منطقی به آن است. جهانی شدن سرمایه‌داری، از یک‌سو با درهم‌ریختن جهان گذشته و از بین بردن روابط و بنیادهای اجتماعی قبلی موجبات ناامنی، رهاشدگی و تنهایی را فراهم آورده؛ و از سوی دیگر، مبارزه زندگی و بقا را تشدید کرده است. پس، از یک‌سو، ما نیازمند یافتن نقاط اتکا و امنیت هستیم و از سوی دیگر، باید خود را برای نیل به جایگاه مناسب در وضعیت تازه آماده کنیم. از نظر کاستنر، تحت تأثیر این نیازها و الزامات، این تمایل پیدا می‌شود که مردم مجدداً حول هویت اولیه (هویت‌های، دینی، قومی، ملی) جمع شوند (حاجیانی، ۱۳۹۰، ص ۷۷-۱۰۷).

گیلینر معتقد است که خوداندیشی بنا به ماهیتش، در تعارض با سنت است و از آنجاکه در نظر او دین نیز ماهیتی سنتی دارد، تجدد خوداندیشی با آن سازگاری ندارد؛ به‌عبارتی، برای درک درست جهانی شدن باید به نحوه گسست از جامعه سنتی و گذر به جامعه مدرن پی برد. گیلینر ابزار دستیابی به چنین درکی را توجه به جایگاه فضا و زمان و فرایند تحول آنها می‌داند (گل محمدی، ۱۳۸۳).

فرانسیس فوکویاما در یک دیدگاه متعارض، نظریه پایان تاریخ را مطرح کرده که همان تمدن غربی است. این نظریه، درواقع تمدن غرب و نظام سرمایه‌داری را پایان جهان پس از فروپاشی شوروی سابق معرفی و ترسیم می‌کند که به‌دلیل نبود بدیل‌های معتبر پس از شکست کمونیسم، صورت نهایی و عام تاریخ بشر، نظام لیبرال - دموکراسی خواهد بود و ضرورتاً در همه جای دنیا گسترش می‌یابد. از نظر او، جهانی شدن فرهنگ در سطح عمیق‌تر آن، با مسئله «هتجرهای اخلاقی» سروکار دارد که سازنده هویت انسان‌هاست. این حوزه‌ای است که نسبتاً زبان، دین و قومیت در آن نقش‌آفرینی می‌کنند و به‌شدت در برابر تغییر و همگونی مقاومت می‌ورزند. بنابراین پایان تاریخ بشر و جهانی شدن لیبرال - دموکراسی غرب، به‌معنای حذف نقش‌آفرینی این نیروهای فرهنگی قوی و کهن است (کچوئیان، ۱۳۸۶، ص ۲۵۱-۲۷۴). البته رؤیای خوش فوکویاما چندان ناپدید و با تغییر و تحولات سیاسی، اقتصادی و نظامی پس از پایان یافتن به‌اصطلاح جنگ سرد، جهان وارد دوران تازه‌ای شد و غول‌های دیگری وارد مناسبات



بین‌المللی شدند و خیلی زود دانسته آمد که سخن گفتن از نظام تک‌قطبی جهان، هذیانی بیش نبوده است و با شرایط تازه جهانی، نه‌تنها آمریکا قدرت اول پایان قرن نیست، بلکه منافع آمریکا به‌اندازه شرایط حاکم بر دنیای به‌اصطلاح دوقطبی هم تأمین نمی‌شود.

فوکویاما به‌تازگی کتاب دیگری به‌نام *پس از نومحافظه‌کاران* منتشر کرده است. اگر به نظریه فوکویاما با دیده دقت بنگریم، می‌بینیم که او درواقع، پایان تاریخ را گم کرده است؛ چون اگر بشریت بداند که جامعه آرمانی او آن چیزی است که اکنون وجود دارد، جا دارد به یک خودکشی دسته‌جمعی دست زند؛ همچنین پس از تحولات اخیر واضح شد که لیبرال دموکراسی غرب توان ترسیم آینده انسان‌ها را با نظریه‌های خود ندارد و ادعاهای سیاستمداران غربی برای آزادی و رفاه مردم جهان توهمی بیش نیست (مشرق، ۱۳۹۹).

پوزف کوشل می‌گوید: «در عصر جهانی‌شدن، دین مسئولیت ویژه‌ای دارد. فرهنگ‌ها و دین‌ها حتی در عصر جهانی‌شدن، جایگاه خود را از دست نخواهند داد و جهانی‌شدن با همگون شدن و یا از بین رفتن فرهنگ‌ها متفاوت است. در آینده بشر یک دین وجود نخواهد داشت» و برنامه‌ریزان تربیت دینی باید آموزش سایر ادیان و محتوای تطبیقی ادیان را در برنامه‌های آموزشی رسمی بگنجانند.

در عصر جهانی‌شدن، انفجار اطلاعات و ارتباطات ملی و بین‌المللی، نه‌تنها دین را به حاشیه نرانده، بلکه آن را در متن دغدغه‌های روحی بشر معاصر قرار داده است (هینس، ۱۳۸۱، ص ۱۰۶-۱۱۰). چنان‌که از گفته‌های نظریه‌پردازان جهانی‌شدن برمی‌آید، ایشان در عصر حاضر اعتقاد چندانی به جایگاه دین ندارند و قائل به حذف یا به‌حاشیه رفتن آن در عصر جهانی‌شدن هستند. در این زمینه، برخی رویکردهای مطرح در عرصه تعامل جهانی‌شدن و دین، از این قرار است:

۱. **احیای دین‌گرایی:** تغییر و تحولاتی که در طی قرن هجدهم و نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم رخ داد و به تضعیف دین انجامید، نتوانست دین را به‌طور کامل از صحنه زندگی انسان خارج سازد. از دهه ۱۹۵۰م به بعد، شاهد جریان دور شدن از تفکر پوزیتیویستی و احیای دین و معنویت به طرق مختلف هستیم (گلشنی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۶).

۲. **تأسیس مراکز پژوهش دینی در جهان:** احیای تفکر دینی در محیط‌های آکادمیک و علمی شاهدهی بر این ماجراست؛ از این‌رو انتظار می‌رود که این تأثیر از مراکز آکادمیک، به جامعه نیز تسری یابد. تأسیس بسیاری از مراکز پژوهشی در چند دهه اخیر، به‌ویژه در آمریکا و اروپا، دلیلی بر این مدعاست. از باب مثال می‌توان از مراکز الهیات و علوم طبیعی در برکلی آمریکا نام برد (شمشیری، ۱۳۸۲).

۳. **رشد جنبش‌های تندرو دینی:** جنبش‌های نوپدید دینی از مدرن‌ترین و کارآمدترین رسانه‌ها و نظریه‌های رسانه‌ای و ارتباطی و صنایع فرهنگی برخوردارند و از آنها در راستای ترویج ایدئولوژی‌های خود استفاده می‌کنند. براین‌اساس می‌توان گفت که جهانی‌شدن و ابزارهای فناوری ارتباطی جدید و تعامل از فاصله دور، امکان شکل‌گیری گروه‌هایی را فراهم آورده است که به حضور در مکان واحد نیاز ندارند (میرزایی، ۱۳۹۰).

## ۶-۲. فرصت‌های ناشی از جهانی‌شدن در عرصه تربیت دینی

در پاسخ به دومین پرسش پژوهشی (فرصت‌های ناشی از پدیده جهانی‌شدن برای عرصه تربیت دینی چیست؟)، می‌توان گفت:

پدیده «جهانی‌شدن» در حوزه تعلیم و تربیت و فرهنگ، عرصه مناسبی برای تبادل افکار افراد بشر فراهم آورده است. قرآن کریم به انسان توصیه می‌کند که در عرصه تبادل افکار (استماع قول)، از قبول کورکورانه آن پرهیز کند و با تعقل و تفکر خود، گزینش احسن از این افکار را رقم بزند. در آیات ۳۶-۳۷ سوره «اسراء»، خداوند به نوع انسان توصیه می‌کند که در عرصه تبادل فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها و باورها و افکار (استماع قول)، از قبول کورکورانه آن بپرهیزد و به سخنانی گوش فرادهد که ندهای توحیدی داشته باشد.

حال با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان موارد زیر را به‌منزله فرصت‌های ناشی از پدیده جهانی‌شدن برشمرد:

**۱. تفاهات بین‌المللی:** از آنجاکه در روند جهانی‌شدن، ارتباطات گسترش می‌یابد و افراد از سراسر دنیا با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و بیشتر در معرض شناخت و ارتباط با سایر افراد جهان قرار می‌گیرند، لذا تفاهات بین‌المللی ضرورت می‌یابد و یادگیری با هم زیستن، به‌عنوان یک هدف مهم آموزش درمی‌آید (یونسکو، ۱۳۷۸). یادگیری برای با هم زیستن نیز پشتوانه‌ای مشترک برای حفظ و انتقال هنجارهای ارزشمند (به یکدیگر و به نسل‌های آینده) است و افزایش ظرفیت تحمل تفاوت‌ها و تعارض‌های موجود در بین جوامع انسانی را از طریق گفت‌وگو و احترام متقابل فراهم می‌آورد (مؤیدینا، ۱۳۸۵). همچنین تعلیم و تربیت دینی باید بکوشد که با تمرین دادن انسان برای زندگی مشترک جهانی با هموعان خود، او را به‌سوی ارزش‌ها و اخلاقیاتی سوق دهد که کلی و جهان‌شمول باشد تا انسان، جزمی و تک‌بعدی بار نیاید؛ دارای حس همدلی و همیاری بوده و توانایی تحمل دیگران و معاشرت با آنها را داشته باشد.

**۲. آموزش الکترونیکی:** این نوع آموزش، بسیاری از محدودیت‌های روش‌های سنتی را ندارد و افراد بسیاری می‌توانند با توجه به موقعیت‌هایشان از آن استفاده کنند. ازجمله نکات مثبت این‌گونه آموزش، می‌توان به بهبود چگونگی تعلیم و تربیت دینی، کاهش هزینه‌ها و امکان‌پذیر شدن آموزش‌ها اشاره کرد، که همه این موارد باعث افزایش بازدهی آموزشی و تربیتی خواهد شد. همچنین در این نوع آموزش‌ها قرب زمانی و مکانی و به‌تعبیری مرزهای مکانی و تا حدودی زمانی از پیش پای انسان برداشته شده است (باقری، ۱۳۸۰، ص ۱۳-۶۰). مهم‌ترین مشخصه این نوع آموزش‌ها، گستردگی، تنوع و قابلیت تغییر براساس استعدادها و علایق افراد است. بنابراین، گرچه رسانه‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، بشر امروز را با توده‌ای از افکار مختلف و گوناگون مواجه کرده‌اند، توصیه قرآن کریم در این زمینه، تأکید بر گزینش احسن انسان است. در آیات ۱۷-۱۸ سوره «زمر» آمده است: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَمِشْرُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»؛ ... پس بشارت ده به آن بندگان که به سخن

گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند. اینان‌اند که خدا ایشان را هدایت کرده است و اینان‌اند همان خردمندان. از این‌رو در زمینه تربیت دینی در عصر جهانی شدن، باید با پرورش تعقل، از طریق برنامه‌های تربیت دینی ارزیابی نقادی احسن را در افراد فراهم کرد.

**۳. گفت‌وگو دینی و تبادل آرا و مذاکره:** گفت‌وگو دینی در طول زمان، برای تربیت دینی ارمغان‌هایی داشته است؛ از جمله: افزایش شکیبایی در برابر دیدگاه ادیان دیگر؛ بالندگی تربیت اسلامی؛ پیدایش و رشد راه‌های نو برای حل مسائل و چالش‌های تربیت دینی؛ و ارتقای گرایش به همکاری و صمیمیت روابط بین فردی و اجتماعی (سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۲). در عصر جهانی شدن، می‌توان وجدان‌ها و فطرت‌های انسان را با بهره‌گیری از کلام و آموزه‌های وحیانی و با تعلیم و تربیت دینی تحت تأثیر قرار داد (خسروشاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳-۱۶۹).

**۴. تسهیل شرایط دادوستد فرهنگی دینی:** در عصر «جهانی شدن»، افراد می‌توانند ضمن تعامل با دیگران، با تعلیم و آموزه‌های دینی مختلف آشنا شوند و به نقد و ارزیابی عقاید مختلف بپردازند؛ و شایسته است که در برنامه‌های تربیت دینی به این موضوع توجه شود (پورطهماسبی، ۱۳۸۷).

**۵. فناوری:** فناوری می‌تواند وسایل و منابع جدید در اختیار فراگیران قرار دهد که فعالیت‌های شناختی وی را تسهیل کند (کدیور و ابراهیمی‌قوام، ۱۳۸۲، ص ۱۴۷-۱۶۶). فناوری آموزشی زمینه بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباط، با تفکر منطقی و اتخاذ شیوه‌های راهبردی در حل و فصل مسائل را فراهم می‌سازد. گسترش و توسعه نظام‌های آموزش از دور، یادگیری باز و آموزش مجازی و محیط یادگیری الکترونیک، باعث گسترش شیوه‌ها و راهبردهای آموزش و یادگیری تربیت دینی در عصر جهانی شدن است (پورطهماسبی، ۱۳۸۷). دین و فناوری، هر دو در مطابقت با یکدیگرند؛ زیرا هر دو، خاصیت جذب‌کنندگی و خیره‌کنندگی دارند. دین با دستورهایی آسمانی و هدایتگر، و فناوری و رسانه نیز با جاذبه‌های ویژه خود می‌توانند دست‌به‌دست هم دهند و با همبستگی و حفظ انسجام گروهی، به پیشبرد اهداف دینی در فعالیت‌های تربیتی کمک کنند (سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۲).

### ۳-۶. تهدیدهای ناشی از جهانی شدن در عرصه تربیت دینی

در پاسخ به سومین پرسش پژوهشی (تهدیدهای ناشی از پدیده جهانی شدن برای عرصه تربیت دینی چیست؟) می‌توان به این دیدگاه‌ها اشاره کرد:

۱. هویت ملی ابزاری برای تفکیک یک ملت از ملت دیگر است. در ارتباط با مقوله جهانی شدن، مسئله نگران‌کننده، رشد تک‌فرهنگی است. هجوم ضدارزش‌های فرهنگ‌های بیگانه به کشورهای هدف، مسخ فرهنگ‌های محلی و درواقع بی‌هویت‌ی فرهنگی آن کشورهاست. ارزش‌های سنتی و دینی جامعه ما نیز روزبه‌روز دستخوش فرایند جهانی شدن قرار می‌گیرند که این وضعیت، تهدیدی برای برنامه‌های تربیت دینی در عصر جهانی شدن است (پورطهماسبی، ۱۳۸۷).

۲. باورهای دینی و نظام ارزشی بخش مهمی از هویت افراد را شکل می‌دهد. ارزش‌های دینی و معیارهای اخلاقی ادیان، مطلق، ثابت و تعطیل‌ناپذیرند؛ درحالی‌که فرایند جهانی‌شدن کنونی مبتنی بر هیچ‌یک از این ارزش‌های قدسی و الهی نیست و اگر نفی‌کننده این ارزش‌ها نباشد، دست‌کم پذیرای آنها نیست. جهانی‌شدن با تحت فشار قرار دادن دین و اعتقادات بومی، تفکر دینی مردم را تحت فشار سکولاریسم و نسبی‌گرایی قرار داده است که این پیامدها تربیت دینی و اصول و ارزش‌های مطلق دینی را تحت فشار قرار می‌دهند (پورطهماسبی، ۱۳۸۷).

۳. جهانی‌شدن فرهنگ‌ها درصدد است با سیطره یک فرهنگ، مسئله پلورالیسم فرهنگی، بر همه افکار و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها حاکم شود که نتیجه آن، عمدتاً در تعارض با باورها و ارزش‌های دینی است. این امر، آموزش مطلق دینی را با تهدید مواجه می‌سازد (سجادی، ۱۳۸۲).

۴. یکی از نکاتی که در نقادی نسبت به عصر جهانی‌شدن و ارتباطات مطرح می‌شود، بمباران اطلاعاتی کودک و نوجوان و آگاهی دادن فزاینده به آنهاست. یکی از مسائل مهم در این باره بلوغ جنسی زودرس کودکان است که از طریق این رسانه‌ها ایجاد می‌شود. در نتیجه، آنچه مقتضای سنی و شرعی کودک نیست، رخ می‌دهد و تربیت او مختل می‌شود (پورطهماسبی، ۱۳۸۷).

۵. نسبی‌باوری از دیگر جنبه‌های دنیای معاصر است. در نسبی‌باوری ارزش ثابتی وجود ندارد و ارزش‌ها نسبی‌اند و ممکن است یک ارزش در جایی به ضدارزش تبدیل شود. این دیدگاه مورد نقد محققان است. آنان معتقدند که در شرایط نبود یک معیار معتبر مشترک بیرونی و معطوف به امر مورد وفاق همگانی، هر چیز در نفس خود معتبر و مجاز شناخته می‌شود (ساوجی، ۱۳۸۸). در این صورت، امکان داوری بر ارزش‌ها - حتی ارزش‌های دینی - وجود ندارد و ممکن است اموری که در تضاد با دین قرار دارند، به ارزش تبدیل شوند؛ اما در تربیت دینی، همواره ارزش‌هایی وجود دارند که ثابت و تغییرناپذیرند (شکاری و همکاران، ۱۳۹۲).

۶. استفاده افراد از انواع ابزارهای الکترونیکی، نظیر اینترنت، ماهواره و رایانه، باعث گسترش «الگوی رفتاری» مشابهی در سطح جهانی شده است که عموماً از آن با عنوان «هویت مجازی» یاد می‌شود. فرهنگ فعلی حاکم بر انواع ابزارهای ارتباطی، به‌ویژه اینترنت و ماهواره، برای کاربرانی که بنیة فکری قابل توجهی نداشته باشند، «هویت‌زدا»ست، نه «هویت‌ساز»؛ چراکه «ارزش‌های زندگی» که دین مطرح می‌کند، بر آن حاکم نیست. «هویت انسانی» قربانی «هویت ماشینی» شده است که این امر، آموزش آموزه‌ها و تعالیم دینی را تهدید می‌کند (رضایی زارچی و رهنما، ۱۳۸۸).

۷. گرایش افراطی به فضای مجازی و نیز به‌کارگیری فناوری ارتباطی - اطلاعاتی، باعث بیگانگی انسان با خویشتن خویش، که همانا فطرت خدایی اوست، می‌شود. از خودبیگانگی باعث می‌شود که ارتباط انسان با حقیقت وجودی‌اش قطع شود. با کدر شدن این تصویر، ارتباط انسان با خداوند هم قطع می‌شود و جهان‌بیگانگی نیز

نتیجه‌ای جز خدافراموشی و ازخدا بیگانگی در پی نخواهد داشت (شمشیری، ۱۳۸۲). از آنجاکه آموزش و تربیت دینی بر اساس فطرت خداجوی بشر است، تربیت دینی با مشکل مواجه خواهد شد.

#### ۴-۶. راهکارهای اسلام در زمینه تعامل مطلوب جهانی‌شدن و تربیت دینی

در پاسخ به چهارمین پرسش پژوهش (راهکارهای اسلام در زمینه تعامل مطلوب جهانی‌شدن و تربیت دینی کدام‌اند؟)، پیش از بررسی دیدگاه اسلام درباره جهانی‌شدن کنونی، ابتدا لازم است با نگاهی گذرا به منابع اصیل اسلامی، به ماهیت جهانی بودن و دلایل جهانی‌شدن اسلام، و ویژگی‌های آن اشاره کنیم و تصویری کلی از جهانی بودن اسلام ارائه دهیم؛ سپس به بررسی تعامل مطلوب تربیت دینی و جهانی‌شدن بپردازیم. جهانی بودن دین اسلام را می‌توان هم از طریق مطالعه محتوای آموزه‌ها و متن پیام‌های آسمانی این دین و تصریحاتی که در منابع اصیل اسلامی درباره جهانی بودن این دین و جهانی بودن نبوت و خاتمیت رسالت پیامبر ﷺ شده است، مورد توجه قرار دهیم و هم با توجه به مبانی عقلانی و علمی و هماهنگی این دین با فطرت نوع بشر، آن را اثبات کرد. جهان‌شمول بودن اسلام یک حقیقت قطعی و بدیهی است که در بین مسلمانان هیچ شک و تردید و ابهام و اختلافی درباره آن وجود ندارد. اسلام - فی‌ذاته - یک دین جهانی و همگانی است و آیینی است که رسالت آن هدایت و نجات تمام انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌هاست. جهانی بودن اسلام را می‌توان با استناد به برخی از آیات قرآن کریم اثبات کرد:

- رسالت جهانی پیامبر اکرم ﷺ: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف: ۱۵۸)؛

- قرآن برای همه انسان‌ها نازل شده است: «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ» (قلم: ۵۲).

قرآن کریم در آیات دیگری بر جامعیت و کامل بودن و اینکه تنها دین مقبول، اسلام است، تأکید و تصریح می‌کند، که به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

- «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹)؛

- «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۵۸).

در تفسیر آیات یادشده، حدیثی از امام صادق علیه السلام به این مضمون نقل شده است: ای مفضل! به خداوند سوگند، همه اختلاف‌ها از میان ادیان برداشته می‌شود و همه به‌صورت یک دین واحد درمی‌آیند؛ همان‌گونه که خدا فرموده است: «تنها دین حق، نزد خدا اسلام است». خداوند در آیه ۳۳ سوره «توبه» به‌صراحت تمام، دین اسلام را دین حق و هدایت می‌داند که سرانجام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد. این آیه علاوه بر دلالت بر حقانیت دین اسلام، از جهانی بودن دین اسلام و حتمی بودن اراده خدا بر جهانی‌شدن این دین خبر می‌دهد (نکویی سامانی، ۱۳۸۷، ص ۶۱). بنابراین، با نگاهی ژرف و جامع‌نگرانه به تعالیم اسلام می‌توان گفت: اسلام زمینه‌های لازم و کافی را برای جهانی‌شدن و جهانی‌شمولی دارد.

همچنین در زمینه راهکار اسلام برای تعامل مطلوب تربیت دینی و جهانی شدن می‌توان بیان کرد که در اسلام مواجهه متعصبانه و جزم‌اندیشانه با امور، پذیرفتنی نیست: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۷ و ۱۸)؛ پس بشارت بده آن بندگان مرا که به سخن گوش فرامی‌دهند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند. آیاتی از این دست، به صراحت بشر و جوامع را به انعطاف‌پذیری در برابر امور مختلف، ارزیابی و انتخابگری هوشمندانه دعوت می‌کنند. رسانه‌های جمعی و فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، بشر امروز را با «توده‌ای شناور» از افکار مختلف مواجه کرده که در بردارنده «هویت‌های مجازی» گوناگون است. توصیه قرآن کریم در این باره تأکید بر «قدرت‌گزینش» انسان و پرهیز او از پذیرفتن «هویت‌های مجازی» غیرواقعی است که با «فطرت بشری» و «علت‌غایی» دین منافات دارد؛ از این رو در عصر جهانی شدن، در عرصه تربیت دینی باید با پرورش تعقل و از طریق برنامه‌های تربیت دینی، زمینه ارزیابی نقادی احسن را در افراد فراهم کرد. در نتیجه، موضع اسلام در قبال فرایند جهانی شدن، موضع ارزیابی، انتخابگری‌گزینش، و طرد در برابر مظاهر و دستاوردهای جهانی شدن، بر طبق مبانی ایدئولوژیک اسلامی است؛ چراکه طرد تمام‌عیار همه مظاهر و دستاوردهای آن، نه تنها ممکن نیست، بلکه مطلوب هم نیست.

در نتیجه براساس دیدگاه اسلام، در تربیت افراد برای ورود به عرصه جهانی، نه قید و بند بیرونی مورد پذیرش است و نه قیدشکنی قابل توجیه. آنچه به نظر می‌رسد بتوان به دیدگاه اسلام در این زمینه نسبت داد، این است که با به دست دادن معیارها و پرورش و رشد قوه قضاوت و داورى - و مهم‌تر از همه - پرورش تقوای حضور و قیدهای درونی افراد، آنان را برای مواجهه با عرصه جهانی شدن تجهیز کرد.

### نتیجه‌گیری

جهانی شدن فرایندی است که در پی برخی تحولات جهانی و پیشرفت‌های علمی و فنی در حوزه ارتباطات و رسانه‌ها و تسهیل و تشدید روابط و تعاملات بین ملت‌ها در زمینه‌های گوناگون، ظهور و بروز پیدا کرده است. این جریان، جوامع بشری را به صورت فراگیر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی درگیر مسائل مشترک و فراگیر و چالش‌های گوناگون کرده و انسان‌ها را با دنیای دگرگون‌شونده، سیال، گیج‌کننده، نفوذپذیر، غیرمتعین، ناآشنا، فاقد حد و مرز، غیرقابل کنترل، و پیچیده مواجه ساخته است.

اکنون اگر این نکته را بپذیریم که با پدیده جهانی شدن روبه‌رو هستیم، با این سؤال مواجه خواهیم شد که «آیا در عصر جهانی شدن، با توجه به پیامدهای آن نظیر ساختارشکنی، از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و در دسترس بودن اطلاعات، می‌توان از دین و تربیت دینی صحبت کرد؟» در نتیجه جهانی شدن، فرهنگ‌ها و ادیان مختلف دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌شوند و این امر با گذشت زمان تشدید می‌شود. در زمینه رویکردهای مطرح درباره جهانی شدن می‌توان به رویکرد کاملاً مثبت، کاملاً منفی و میانی اشاره کرد. رویکرد کاملاً مثبت به جهانی شدن، عمدتاً بر فرصت‌های برآمده از جهانی شدن تکیه دارد؛ از جمله توسعه ارتباطات و کاهش تعارضات

بین‌المللی. در رویکرد کاملاً منفی می‌توان به هژمونی فرهنگی و استحالهٔ هویت ملی اشاره کرد و در رویکرد میانی می‌توان به همسویی و هم‌گرایی فرهنگ‌ها توجه نمود. این یافته با یافتهٔ میرمحمدی (۱۳۸۱) توافق دارد.

همچنین در فرایند جهانی‌شدن و آموزه‌های دینی دو نسبت در نظر گرفته شده است: از منظر نخست، جهانی‌شدن به‌عنوان یکی از اهداف تربیت دینی است؛ اما از منظر دوم، تربیت دینی جزئی از جهانی‌شدن است. در این دیدگاه، دین و آموزه‌های دینی که یکی از عناصر فرهنگی و هویت است، تحت تأثیر جهانی‌شدن و جزئی از آن است. این یافته با یافتهٔ سُکاری و همکاران (۱۳۹۲) توافق دارد.

در پاسخ به نخستین سؤال فرعی، گفتنی است: همان‌طور که از گفتهٔ نظریه‌پردازان دربارهٔ ماهیت تعاملی جهانی‌شدن و دین برمی‌آید، جهانی‌شدن در عصر جدید اعتقاد چندانی به جایگاه دین ندارد؛ لکن در عرصهٔ تعامل دو متغیر موردنظر می‌توان به مواردی از جمله احیای دین‌گرایی، جنبش‌های تندرو دینی، تأسیس مراکز پژوهش دینی در جهان اشاره کرد. این یافته با یافتهٔ شمشیری (۱۳۸۷) توافق دارد.

در پاسخ به دومین سؤال فرعی در زمینهٔ فرصت‌های ناشی از پدیدهٔ جهانی‌شدن، می‌توان به مواردی از جمله آموزش الکترونیکی، یادگیری باهم زیستن، تمرین دادن انسان برای زندگی مشترک جهانی، توانایی تحمل دیگران، تسهیل دادوستد فرهنگی دینی، و تحول در رسانه‌ها اشاره کرد، این یافته با یافتهٔ مؤیدنیا (۱۳۸۵) توافق دارد.

در پاسخ به سومین سؤال فرعی در زمینهٔ تهدیدهای ناشی از جهانی‌شدن در عرصهٔ تربیت دینی، می‌توان به مواردی همچون ساختارشکنی، هجوم ضدارزش‌های فرهنگ‌های بیگانه، سکولاریسم و نسبی‌گرایی، بلوغ زودرس، و گرایش افراطی به فضای مجازی اشاره کرد. این یافته با یافتهٔ خسروشاهی (۱۳۹۲) توافق دارد.

در پاسخ به آخرین سؤال پژوهش، راهکار ارائه‌شدهٔ اسلام در زمینهٔ تعامل بین این دو متغیر بدین صورت بیان شده است که جهانی‌شدن با هر تفسیری، واقعیتی است که بر عرصه‌های تربیتی تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین باید با واقعیاتی و به‌دور از هرگونه حصاربندی و قرنطینه‌سازی و نیز به‌دور از هرگونه حصارشکنی، با به دست دادن معیارهای مناسب، زمینهٔ توانایی ارزیابی را در خود افزایش دهیم تا به‌درستی از امکانات ارزشمند آن بهره‌مند شویم و از آسیب‌های احتمالی آن مصون بمانیم. این یافته با یافته‌های امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۲) توافق دارد. با توجه به یافته‌های حاصل از تحقیق مبنی بر شناسایی پدیدهٔ جهانی‌شدن و آثار آن بر تربیت دینی، به‌نظر می‌رسد که جهانی‌شدن بهترین فرصت برای جهانی‌شدن اسلام و نشر معارف و فرهنگ پویا و متعالی اسلام است. به‌شرطی که مسلمانان به سرچشمه‌های حقایق اصیل اسلام دست یابند و آن را با امکانات و ابزارهای جهانی نشر و گسترش دهند. بنابراین مسئولان و سیاستمداران کشور باید در جهت فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم برای گسترش و نشر باورها و آموزه‌های دینی در سطح جهانی تلاش کنند.

مسئولان نظام آموزشی و تربیتی کشور باید از تهدیدها و فرصت‌های پدیدهٔ جهانی‌شدن در عرصهٔ تعلیم و تربیت کشور و خصوصاً تربیت دینی آگاه باشند و سعی کنند تهدیدها را به حداقل کاهش دهند و از فرصت‌ها بهترین استفاده را ببرند.

مسئولان نظام تربیتی کشور باید در جهت پرورش و به‌روز کردن معلمان و مربیان، خصوصاً معلمان تربیت دینی تلاش کنند و بکوشند آنان را با جدیدترین فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در جهت استفاده از روش‌های آموزشی برای انتقال و آموزش تعلیم دینی آشنا سازند.

برنامه‌ریزان و طراحان تربیت دینی باید از روش‌های کهنه و منسوخ جهت تعلیم آموزه‌های دینی صرف‌نظر کنند و بکوشند از طریق روش‌های جدیدی که فناوری اطلاعات و ارتباطات در عصر جهانی‌شدن فراهم کرده است (ضمن توجه به ضرورت دین در زندگی بشر) تعلیم و آموزه‌های دینی را در اختیار دانش‌آموزان و... قرار دهند. لازم است که اهداف، روش‌ها و محتوای تربیت دینی متناسب با شرایط عصر جهانی‌شدن، طراحی و تنظیم شود.

مسئولان نظام تربیتی باید تأکید خود را بر تفکر نقاد، ارتباط و حل مسئله متمرکز سازند و صرفاً به انتقال دانش و معرفت بسنده نکنند و قدرت ارزیابی را در دانش‌آموزان برای شناخت و ارزیابی آموزه‌ها و تعلیم ادیان مختلف ایجاد کنند.



- امام جمعه زاده، م، ۱۳۹۲، «سیاست گذاری فرهنگی در عصر جهانی شدن»، مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، ش ۹۲، ص ۷۶-۹۱.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۰، *چیستی تربیت دینی*، تهران، تربیت اسلامی.
- برخوردار، ز، ۱۳۸۴، «مبانی نظری آسیب شناسی تربیت دینی با تأکید بر ارزیابی ابعاد روان شناختی دانش آموزان در پژوهش تربیت دین»، در: *خلاصه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی*، قم.
- پهکیش، م م، ۱۳۸۰، *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*، تهران، نشر نی.
- پورطهماسی، س، ۱۳۸۷، «تبیین رابطه جهانی شدن و تربیت دینی»، در: *مجموعه مقالات تربیت دینی، تربیت اسلامی*، ش ۶ ص ۱۲۵-۱۳۸.
- تابلی، حمید و همکاران، ۱۳۹۰، «حکومت مهدوی در پرتو شاخص های جهانی شدن»، *مشرق موعود*، سال پنجم، ش ۱۹، ص ۱۰۱-۱۸۴.
- تافلز، آلوین، ۱۳۸۵، *موج سوم*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، علم.
- جعفرزاده، ف، ۱۳۹۰، *دین و جهانی شدن*، تهران، مرکز ملی جهانی شدن پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- حاجیان، ا، ۱۳۹۰، *دین و جهانی شدن*، تهران، پژوهشگاه تحقیقات راهبردی.
- خسروشاهی، ح، ۱۳۹۲، *جهانی شدن و تحول در آموزش و پرورش*، تهران، مشق شب.
- رابرتسون، د، ۱۳۸۲، *جهانی شدن*، ترجمه کمال پولادی، تهران، ثالث.
- رضایی زارچی، ر، و ارهنما، ۱۳۸۸، «بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی»، *مهندسی - فرهنگی*، ش ۴، ص ۲۲-۳۷.
- ساوجی، م، ۱۳۸۸، «مدرنیته و پست مدرنیسم»، *سیاست*، ش ۳۹، ص ۱۷۱-۱۹۲.
- سبحانی نژاد، م و س، پورطهماسی، ۱۳۹۲، «رسانه های پست مدرن و تربیت دینی در عصر جهانی شدن»، *راستخون*، ش ۲۹، ص ۳۱-۴۶.
- سجادی، سید م، ۱۳۸۲، «جهانی شدن و پیامدهای آن برای تعلیم و تربیت»، *علوم تربیتی - روانشناسی*، ش ۳، ص ۱۱۳-۱۲۸.
- سجادی، ع، ۱۳۸۷، *درآمدی بر اسلام و جهانی شدن*، چ دوم، قم، بوستان کتاب.
- شکاری، ع، و همکاران، ۱۳۹۲، «تبیین نسبت جهانی شدن و جهانی سازی»، *دین*، ش ۴، ص ۱۰۱-۱۲۰.
- شمشیری، بابک، ۱۳۸۲، «بررسی تحلیل پیامدهای ناشی از گرایش افراطی به آموزش مجازی و فناوری ارتباطی و اطلاعاتی»، در: *سومین همایش برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات*، تهران.
- ، ۱۳۸۷، «جهانی شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم، پست مدرنیسم و عرفان اسلامی»، *دانشور*، سال پانزدهم، ش ۳، ص ۵۳-۷۰.
- عزیزی، ا و س افشارپور، ۱۳۸۷، «آموزش و پرورش و جهانی شدن»، *پیام جامعه*، ش ۲۰، ص ۴۰-۴۴.
- فرهادی محلی، ع، ۱۳۸۹، «بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ»، *مطالعات جهانی شدن*، ش ۵، ص ۶۳-۶۹.
- کچوئیان، حسین، ۱۳۸۶، *نظریه های جهانی شدن: پیامد چالش های فرهنگ و دین*، تهران، نشر نی.
- کدیور، پ و ص ابراهیمی قوام، ۱۳۸۲، *جهانی شدن و تعلیم و تربیت*، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- گلشنی، م، ۱۳۸۷، *گزارش پژوهش ملی ایران و جهانی شدن*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گل محمدی، ا، ۱۳۸۳، *جهانی شدن فرهنگ و هویت*، تهران، نشر نی.
- مجتهدزاده، پ، ۱۳۷۹، «هویت ملی در عصر جهانی شدن»، *بیوند*، ش ۳۲۰، ص ۲۸-۳۲.
- مقصودی، م، ۱۳۷۹، «فرهنگ، ارتباطات و تحولات قومی»، *مطالعات راهبردی*، ش ۶ ص ۱۶۹-۱۷۱.
- مویذنی، ف، ۱۳۸۵، «جهانی شدن و نظام های آموزش و پرورش»، *بیوند*، ش ۳۲۰، ص ۲۸-۳۲.

میرزاضی، س، ۱۳۸۶، *بررسی تربیت دینی دانشجویان در عصر فناوری اطلاعات از دیدگاه اساتید دانشگاه اصفهان*، پایانامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

میرزایی، جمشید، ۱۳۹۰، «تبیین جامعه‌شناختی تأثیرات صنایع فرهنگی بر جنبش‌های نوپدید دینی»، در: *همایش ملی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه*.

میرمحمدی، داوود، ۱۳۸۱، «جهانی‌شدن، ابعاد و رویکردها»، *مطالعات ملی*، ش ۱۱، ص ۵۶-۸۴.

نصری، ق، ۱۳۸۰، «در چپستی جهانی‌شدن»، *مطالعات راهبردی*، سال چهارم، ش ۳، ص ۲۸۱-۳۰۴.

نکویی سامانی، م، ۱۳۸۶، *دین و فرایند جهانی‌شدن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

نوریخوش، یونس و صدیقه سلطانیان، ۱۳۹۰، «جهانی‌شدن و چالش‌های دینی و ملی حاصل از آن»، *روابط خارجی*، سال دوم، ش ۳، ص ۳۹-۷۱.

واترز، مالکوم، ۱۳۷۹، *جهانی‌شدن*، ترجمه اسماعیل مردانی کیوی و سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

هال، ا، ۱۳۸۳، «هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید»، ترجمه شهریار وقفی‌پور، *ارغنون*، ش ۲۴، ص ۳۱۹-۳۵۲.

هینس، ج، ۱۳۸۱، *دین، جهانی‌شدن و فرهنگ سیاسی در جهان سوم*، ترجمه داود کیانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

یونسکو، ۱۳۷۸، «اعلامیه کنفرانس جهانی آموزش و پرورش برای همه»، *تعلیم و تربیت*، نگاشت ش ۱۵، ص ۳۷.

Goldman, Alvin, 1999, *Knowledge in a social world*, Oxford, England: Oxford University Press.

Turner, S., 2001, "Cosmopolitan Virtue: On Religion in a Global Age", *European Journal of Social Theory*, p. 131-152.